

گزارش

گزارش اختصاصی از جشنواره تئاتر ارمنستان

هایفست یا جاشنی ایرانی

فروغ سجادی

■ ایروان شهری با یادگاری‌هایی از کمونیست شوروی؛ موزه‌ها، مجسمه‌ها، اپراها، کنسرت‌های موسیقی در کنار رشته‌کوه‌های آرارات و دریاچه وان، برچمه‌های آویخته از پنجره و برخی از ساختمان‌ها، مغازه‌های تازه‌ساخت مجلل، سستگرفش‌های پهن و قدیمی شهر و نوع زندگی و معاشرت کردن مردم هنوز بوی انقلاب روسیه و آغاز فروپاشی نظام کمونیستی را می‌دهد. به‌ویژه وقتی می‌بینی در مهم‌ترین میدان فرهنگی شهر که شهرت عجیبی هم دارد، میدان اپرا، کمپ‌هایی توسط اپوزیسیون برپا شده و در میان آنان چهره‌های هنرمندی هم هستند که خواهان انتخابات دوباره‌اند؛ انتخاباتی که بتواند بودجه فرهنگی آنان را بیش از این افزایش دهد و سالن‌های پررونق تئاتر و موسیقی را پررونق‌تر از این کند. در کنار تابلوهای شعار میدان هنری شهر، پوسترهای جشنواره‌ای دیده می‌شود که در گوشه‌ای از شهر به آرامی می‌رگرز می‌شود؛نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر هایفست که مهم‌ترین فستیوال تئاتر کشور هم محسوب می‌شود.اجرای چهار نمایش ایرانی پناه خویی است برای اینکه هایفست ارمنستان اسمال رنگ و بوی ایرانی به خود بگیرد. نمایش‌هایی که هر کدام با ساختار متفاوت، رنگ و آواز موسیقی زار جنوب ایران به «مکتب» معروف طمع دیگری از تئاتر می‌دهد و «شاه لیر»بی‌کلام گروهی جوان هم جای خود را دارد و «جینی» که از دانشجویان اراک شنیده می‌شود،یا«اندراکی» انقلابی در لایه‌ای جشنواره ارام و بی‌حاشیه داستان تازه‌ای را خلق می‌کند. جشنواره بین‌المللی هایفست طبق روال همیشه همراه در ایروان آرام برگرز می‌شود، ۱۸ کشور با ۴۸ اجرا سرنوشت یک‌هفتگی این جشنواره را رقم می‌زنند؛ روسیه،انگلیس،بلغارستان،دانمارک، گرجستان،لیتوانی، هند،فنلاند، ایتالیا و ایران از جمله کشورهایی بودند که با اجراهایشان به این فستیوال رنگ بین‌المللی بخشیدند. روزهای اول که پرنفس به میانه رسید،نوبت گروه‌های ایرانی شد، گروه میم اراک با نمایش «جیج» به کارگردانی رضا مشیری که کار ی دانشجویی است، از گروه تئاتر بازیگر، نمایش «اندراک»به کارگردانی نیکا سلیمانی گروهی دوفهره و باز هم جوان که نمایشی فرم‌محور را اجرا می‌کنند. دو ترازوی از شکسپیر با دو اجرای متفاوت دیگر امراغان‌های گروه‌های ایرانی به جشنواره بین‌المللی ارمنی‌هاست؛ گروه تئاتر کینگ لیر (شاه لیر) با نمایش «شاه لیر» شکسپیر به کارگردانی ملودی (ارمنیا) و اجرایی بدون دیالوگ در قالب تئاتر فیزیکال ۴۰ دقیقه‌ای حیرت بسیاری از تماشاگران را برمی‌انگیزد و به گفته بسیاری از مخاطبان خارجی خلاف تصویری است که از تئاتر ایران می‌رود.

گروه «تی توک» پندرعباس هم اجرای دیگر را اثر شکسپیر را به صحنه می‌آورد.نمایش «تنها سگ اولی می‌داند مکتب» براساس نمایشنامه معروف «مکتب» با حال و هوایی از جنوب ایران اجرا می‌شود. از کشیدن خال با خاک سرخ جزیره هرمز بر پیشانی تماشاگران و هیاهوی ساز و آوازی‌های بومی جنوب ایران گرفته تا اجرایی متفاوت از مکتب براساس مراسم آیین زار با جذابیت‌هایی است که مخاطب‌های خارجی را وادار می‌کند پس از اجرا در تالار کوچک بمباند و به دنبال کنجکوی‌هایشان دستی بر سازها و اکسسوار حصیری و گل‌ی صحنه بکشند. آلبرت بیگنجلی چهرای که همه تئاتر دوستان سفر کرده به ارمنستان به خوبی باو آشنا هستند، نماینده هایفست در تئاتر ایران و نماینده یونیمایی ایران در ارمنستان کسی است که سال‌ها پل ارتباطی تئاتر ایران و ارمنستان را برقرار کرده و تنها کسی که در طول مسیر گروه‌های ایرانی را همراهی می‌کند. او می‌گوید: «بتداقرار بود شش گروه ایرانی در این جشنواره حضور داشته باشند اما با انصراف یک گروه و ترسیدن گروه پاسب خاسب به دلیل فرام نشدن بودجه سفر توسط مسوولان نمایشی، این تعداد به چهار گروه رسیده است.»

به گفته آلبرت، عادت تئاتر دیدن برای بیشتر ساکنان این شهر آرام، یک عادت جاافتاده است. این گفته وقتی برای من شکل واقعی می‌گیرد که در شلوغی نفس‌ها و چشم‌های زل‌زده به صحنه برخی از سالن‌ها گم می‌شوم و با جیمی از تماشاگرانی مواجه می‌شوم که علاوه بر صندلی‌ها، فضای میان پله‌ها و گوشه‌های دیوار را اشغال کرده‌اند.ایروان شهر نه‌چندان بزرگی است که با یک‌میلیون جمعیت، بیش از ده‌ها سالن تئاتر در گوشه و کنار آن میزبان جشنواره مهم تئاتری‌شان است و به روایتی ۲۰ تا ۴۰ سالن تئاتر در طول سال به طور جدی برای مخاطبان با سلیقه‌های مختلف، نمایش اجرا می‌کنند. اما پایت تیاتر تئاتر سالن قابل‌توجهتری است که در مرکز شهر مکانی برای فعالیت گروه‌های تئاتر عروسکی است. سالن انتظار این تئاتر که اسمال هم مثل گذشته، دبیر‌خانه هایفست را در دل خود جاده‌ا است، میزبان عکس‌های آشنا از اجراهای عمومی ایران در سال ۸۹ و ۹۰ است، عکس‌هایی از «رضا موسوی»، عکاس تئاتر ایران که نمایشگاهی از آثار منتخب خود را در این سالن برپا کرده. هرچند خبر برگرزای هفته فرهنگی ایران ارمنستان توسط سفارت ایران و حضور مسوولان فرهنگی کشور از جمله حمید شام‌پادی، معاون هنری ارشاد در حاشیه این جشنواره به گوش می‌رسد، اما هیچ‌نشانه‌ای از این هفته فرهنگی در شهر ایروان دیده نمی‌شود. بازار تئاتر ایران این مثل دیگر کشورها در کلاپ مزو پریاست. گپ و گفتگو با هنرمندان و مدیران کمپانی‌های تئاتر خارجی که مایلند بیشتر درباره تئاتر و جشنواره‌های تئاتری ایران بدانند از دیگر برنامه‌هاست. روزهای آرام هایفست به آخر می‌رسد پس از یک هفته تئاتری، هتل بزرگ و مجلل شهر هتل آرارات میزبان مراسم پایانی است و تقدیر از گروه‌های ایران آخرین چاشنی برای هایفست است.

ناصر حسینی‌مهر نه تنها فارغ‌التحصیل هنر کده آن‌هایتا (تهران) و مدرسه عالی هنر (پاریس) است بلکه سال‌ها نماینده «مرکز ملی تئاتر ایران» در انستیتو بین‌المللی تئاتر در فرانسه بوده و زیر نظر هنرمندانی چون آریان منوشکین و یوجنیو باربا دوره دیده است. او در تئاترهای گوناگون آلمان به عنوان بازیگر، کارگردان، طراح صحنه و گریمور فعالیت کرده است. کارگردانی «اتاق شماره ۶» اثر آنتوان چخوف، نخستین کاری بود که او در تهران به صحنه برد. حسینی‌مهر این روزها بعد از چندین بار وقفه با نمایش «ویتسک» اثر گئورگ بوشنر آلمانی که چهره ناشناخته در ایران است به تالار اصلی مولوی آمده است. نمایشی که به داستان زندگی یکی از شخصیت‌های واقعی در دوران انقلاب فرانسه نوشته شده است.

■ ■ ■

■ پس از اجرای «اتاق شماره ۶» چخوف و «هملت ماشین» مولر، این بار چرا «ویتسک» بوشنر؟

چون این اثری کهنه و منسوخ نیست، داستان تمام ناشدنی معضلات انسان امروز است. ویتسک برای من اثری مدرن محسوب می‌شود، چون درنمایه‌ای مدرن دارد. درنمایه‌ای که از ذهنیات واهی برنماید، بلکه از واقعیت سرچشمه گرفته است از زندگی، از اسرار و نیازهای بی‌شمار آن مثل عشق، تنهایی، آرایش، جنون، انتقام، مرگ و… به همین دلیل این اثر برخلاف تئاترهای شبیه آوانگارد پرمدها، با تئاتر صرفاً سرگرم کننده بلوار به عبارتی همان تئاتر لاله‌زاری خودمان، با تئاتر سیاسی-جناسیتی در سطح نمی‌ماند و اگر صدها سال دیگر هم ویتسک در هر گوشه‌ای از جهان اجرا شود، باز تاثیرگذار است و تارهای درون تماشاگرانش را به لرزه می‌آورد.

■ اما گئورگ بوشنر در ایران ناشناخته‌است؟

مگر کسانی مثل فردریش هبل، لسنینگ، دوکیند، ژاری، بومارشه و پیتروایس در ایران شناخته شده‌اند؟ جوانان تئاتری ما حتی نمی‌دانند حسن مقدم کیست، کمال شهزاد یا حتی ساعدی و… بوشنر را در واقع می‌توان از مدرن‌ترین نویسندگان ادبیات کلاسیک آلمان به شمار آورد که در کارنامه‌اش اینی تنها یک داستان بلند و سه نمایشنامه هست. هر سه نمایشنامه او بیشترین اجراهای صحنه‌ای را در تاریخ تئاتر آلمان داشته، به خصوص ویتسک که بعد از ۷۸ سال از تحریرش برای اولین بار در سالن‌های پیش از جنگ جهانی اول یعنی در سال ۱۹۱۲ در تئاتر زرنیدس مونبخ به صحنه رفت. یعنی سال‌هایی که تئاتر اسکیرسویستی در اوج شکوفایی خودش بود و پیروان این مکتب از این اثر صنعتوری یا ضدرومانتیک استقبال فراوانی کردند، چه در شیوه و بافت کلام، چه در ساختار و دراماتیک و شخصیت‌پردازی و چه از منظر صحنه‌پردازی. چنان‌که «آلیان برگ» یکی از بزرگ‌ترین آهنگسازان آن دوره براساس «ویتسک» ایرانی ساخت که بسیار مشهور است. جالب آنکه بوشنر وقتی نمایشنامه‌هایش را می‌نوشت در دوران رومانتیک‌های انقلابی مثل هوگو، کلايست و هبل زندگی می‌کرد اما آثارش به مکتب‌های ادبی هنری دوران بعدی تعلق گرفت.

■ بوشنر چه جایگاهی در ادبیات دراماتیک و به خصوص تئاتر آلمان دارد؟

تا اواخر قرن نوزدهم کسی گئورگ بوشنر و آثارش را در آلمان نمی‌شناخت. حتی در کتاب چند جلدی «تاریخ شعر وادبیات ملی آلمان» که در سال ۱۸۴۴ منتشر شد هم نامی از خالق ویتسک نیامد. تا آنکه در سال‌های پایانی قرن نوزدهم تااویرلیست‌های آلمانی به اهمیت آثار بوشنر پی بردند و در ۱۸۷۵ یعنی پس از نیم قرن برای نخستین بار نمایشنامه ویتسک به چاپ رسید. این نمایشنامه یک اثر ناتمام است، حتی عنوان آن هم عنوانی نیست که بوشنر انتخاب کرده باشد. ترتیب صحنه‌ها هم در نسخه‌های گوناگون یکسان نیست و از چهار نوع چیدمان و ترتیب صحنه‌ای متفاوت حکایت دارد. آنچه این اثر اپیزودیک را منحصر به فرد کرده، مستقل بودن هر صحنه است نسبت به صحنه‌های قبلی، چه در شکل و چه در مضمون. صحنه‌هایی کوتاه و موجز که در بی هم می‌آیند، اما از هم متأثر نیستند و براساس سلیقه و دریافت هر کارگردانی می‌توان آنها را جا به جا کرد. یکی از دلائل چنین امکان یا انعطافی آن است که هر صحنه به طور مستقل از درنمایه‌ای واکاونه و برخوردار است که زندگی لایه‌های مختلف اجتماعی آشکار می‌شود.

■ ویتسک را یک اثر ناتمام نامیدید، اگر این نامگذاری طرف شماسات، دلائل آن چیست؟

این نظر من نیست، «ویتسک، یک اثر ناتمام» woyzeck Ein Fragment، عنوان اصلی آن در زبان آلمانی است. بعد از مرگ بوشنر آنچه از متن ویتسک پیدا شد، تنها یک طرح اولیه از این نمایشنامه بود. طرحی تقریباً به پایان رسیده، اما با صحنه‌هایی پرانگنده و پس و پیش، بدون شماره‌گذاری صحنه‌های پوسیده و حرف رنگ پریده که پس از نزدیک به نیم قرن به دست نویسندهای افتاد به نام کارل امیل، او متن را به کمک مواد شیمیایی به طور تقریبی قابل خواندن کرد و در سال ۱۸۷۹ هم به چاپ رسید.

■ تا آنجا که اطلاع دارم شخصیت‌های همه آثار بوشنر مثل لنتس، داتنون و روسیبر شخصیت‌های حقیقی بوده‌اند، آیا ویتسک هم چنین است؟

بله. بوشنر قهرمان اصلی نمایشنامه خود را در واقع از یک شخصیت حقیقی به نام یوهان کریستین ویتسک برگرفته که سربرازی ساده و اخراجی بوده که به کار کلاه گیس بافی می‌پرداخت. مشهور بود که این شخص به زبان بیوه علاقه زیادی داشته و با آنها معاشرت و مصاحبت حسنه‌ای برقرار می‌کرد. تا آنکه در سال ۱۸۲۱ وقتی بی برد معشوقه ۴۸ ساله‌اش که بیوه یک پزشک جراح بود به او خیانت کرده و در برابر خانه‌اش در لایپزیگ به قتل رساند و فردایش هم بازداشت شد. در این زمان بوشنر پسرپنج‌های هشت ساله بود. خلاصه وکیل مدافع ویتسک تلاش کرد تا او را به دلیل ابتلا به بیماری روانپریشی از مرگ نجات دهد اما موفق نشد. این پرونده جنایی سه سال طول کشید و جامعه آلمان را به خوش مشغول کرد تا آنکه در نهایت ویتسک به مرگ محکوم شد و در سال ۱۸۲۳ میان اصلی لایپزیگ سرش زیر گیوتین رفت. جالب اینکه بعد از آن تا سال‌های متمادی جامعه‌شناس‌ها، روان‌پزشک‌ها و منتقدان سیاسی به بررسی این واقعه داغ در آلمان پرداختند که در میان آنها پدر بوشنر هم که پزشکی مشهور بود با نوشتن مقالاتی در مجله معتبر پزشکی آلمان به کالبدشکافی این قتل پرداخت که بعدهاگئورگ بوشنر زمانی‌که دانشجوی پزشکی بود با مطالعه این مقالات علمی و پرونده مربوط به آن جنایت نمایشنامه ویتسک را

گفت‌وگو با ناصر حسینی‌مهر کارگردان نمایش «ویتسک»

ویتسک زخم‌باز

بهناز روشن‌روان

در روایتی تازه و دیدگاهی انتقادی نوشت:

■ چه عناصری در این روایت تازه برجسته است که نمایشنامه و شخصیت «ویتسک» را نسبت به آن واقعه حقیقی جذاب‌تر می‌کند؟ اجازه دهید طور دیگری سوالم را مطرح کنم: ویتسک کیست؟ یک دیوانه؟ یک قاتل؟ یک عاشق مالیخولیایی؟ یک انتقامجو؟ چه چیزی ویتسک را در کشتن ماری ترغیب می‌کند؟ جنون،عشق، نفرت، یا حسادت؟ برای نوشتن یا بررسی یک اثر هنری بهتر است به قول چخوف کمی خونسرد بود. شخصیت ویتسک از سویی ترکیبی از همه این ویژگی‌هاست که نام برید و از سوی دیگر، دارای زوایایی ناپیدا که در طول تاریخ همواره با انسان همراه بوده است. اما اغلب منتقدان ادبی و تئاتری معتقدند که دو عنصر خیانت و حسادت در نمایشنامه «ویتسک» نظیر «تلولو» شکسپیر مهم‌ترین و مرکزی‌ترین موضوع‌های این اثر ناتمام است. تردیدی نیست که این دو عنصر اعمال صحنه‌ای را به دنبال خود می‌کشند که نتیجه آن قتل زن بی‌گناهی است به نام ماری، اما فراتر از آن عناصر، روابط پیچیده احتمالی و کنش‌ها و واکنش‌های فراوانی است که در لایه‌های پنهان متن و پرسناژها مضمون اثر را به مخاطب انتقال می‌دهند. انزوی ویتسک و مجموعه محرومیت‌های اجتماعی او را وجودی غریب و مورد تمسخر می‌کند که همه زندگی‌اش اتاق کوچکی است با زن و کودکش، دخمای حقیرانه او امیدها و آرزوهایش که با اشتباه یا رفتن ماری ویران می‌شود و از بین می‌رود. عسبان ویتسک تنها از حسادت نیست، بلکه تمکین‌کردن به دنیای پست و آلوده پیرامون است، به شرایط بی‌رحمانه اجتماعی و تنها کاری که از دست او برمی‌آید، ناپودکردن تنها از تباطلی است که با انسانی دیگر دارد.ضعیف‌ترین عضو جامعه آن دوران، یک زن، ماری و همچون اتلول تنها فرد همطراز و نزدیک‌ترین به خود- درمونها- را از بین می‌برد، به عبارتی دیگر با خودزنی از اجتماع انتقام بگیرد.

■ و اجتماع هم از او به عنوان عنصری زاید انتقام می‌گیرد و به مجازات می‌رساند.

اجتماع، نه، بهتر است به زبان کافکا بگوییم «صاحبان قصر» از او انتقام می‌گیرند، «صاحبان قصر» این موجود عصبانگر را عنصری زاید می‌پندارند، از آن رو که به قدرت و قوانین موجود تمکین نمی‌کند، در نتیجه حضورش زاید یا خطرناک به نظر می‌آید که بی‌درنگ باید حذف شود. این تلقی که همه مستبدان تاریخ از شهروندان ناراضی هست، ببینید، موجودیت ویتسک در این اثر سایه‌باور و عنصری کاملاً جامع آرایه شده است. به زبان دیگر، او در پایین‌ترین لایه‌های جامعه حضوری حاشیه‌ای دارد، یک زندگی سگی در واپستگی کامل به مافوق‌ها یا همان صاحبان قصر. کلبوس و بختک‌های ذهنی ویتسک در تنهایی، تنگدستی و تحقیر ریشه دارد. او هم مثل راسکولنیکف یا گروموف - برادران ناتنی کتاب خویش - زیر پا له می‌شود و عزت و شرف انسانی‌اش لطمه می‌بیند. ویتسک در دام پزشکی مکار گرفتار آمده که او را مثل حیوانات دست‌آموز دوره‌گردان به نمایش می‌گذارد و در حد «جانور»ی مطلوب یا «انسان - حیوان» تنزل می‌دهد که نمی‌تواند خود را تمام و کمال بیان کند. در این اثر نمایشگردان و پزشک هر دو به موازات هم شیادانی هستند که یکی حیوان (اسب) را انسان می‌نامد و دیگری، انسان (ویتسک) را حیوان. در نظر آنان «طبیعت دوم» یا «قلل ثانوی» ویتسک چیزی نیست جز حرکاتی زشت نظیر جنک‌انداختن.

■ شخصیت ویتسک در جامعه امروز ما چه جایگاهی دارد؟ آثار بوشنر و به‌خصوص نمایشنامه «ویتسک» را ابتدا باید در عصر و زمان خلقتش بررسی کرد، بعد به اعتقاد من خود به خود سر کلاف را پیدا می‌کنیم و جایگاه و رابطه‌اش را با امروز درمی‌یابیم. از طرف دیگر نباید در دام الفاظ و تعبیر دهان‌پرکن افتاد که مثلاً این اثر به این

دلیل مدرن محسوب می‌شود، چون اولین نمایشنامه اپیزودیک درام و ادبیات جهان است یا نمونه‌ای است استثنایی از روان‌شناختی فردی در تئاتر، یا بوشنر با این اثر نخستین‌بار از قشر یا طبقه چهارم اجتماعی سخن گفته و نظایر آن، بلکه فراتر از آن به گمان من بوشنر با درایت تمام آینده «انسان منزوی» را با مجموع معضلاتش در جامعه رو به مدرن تصویر می‌کند، انسانی که مثل تیغه ریش‌تراشی در لایه‌های مختلف جامعه راه می‌رود و در سکوتی سرد و هولناک با بازیابی الکن می‌خواهد انتقام بگیرد، انتقام از محرومیت‌ها، آن هم بدون فریاد، بدون عصیان مری. شاید بهترین کسی که او را توصیف کرده، هاینر مایر باشد که ویتسک را یک زخم می‌نامد، زخمی باز.

■ در نمایشنامه ویتسک، پیرزنی برای بچه‌ها قصه‌ای تعریف می‌کند که بسیار سمبولیک است، چرا بوشنر این قصه را درست پیش از صحنه قتل آورده است؟ پیش از هر چیز لازم است بگویم که آنچه در روایت بداهه‌گونه مادر بزرگ به چشم می‌خورد، به هیچ‌وجه یک «قصه» نیست، بلکه بیشتر «شبه‌قصه» یا «ضدقصه» است، که به داستان‌های

تئاتر



عکس: مهی‌آفرین

«برادران گریم» Brüder Grimm به ویژه داستان «هفت کلاغ» و «دره سستارگان» شباهت زیادی دارد که بعدها اشترن تالر Sterntaler هم آن را به شکلی دیگر آرایه داد. «ضدقصه»ای کنایی که یادآور آثار بکت است، یا ردیابی در ضد افسانه دارد؛ موقعیتی ترسیم می‌شود حاکی از قطع ارتباط پس‌رکی فقیر با محیط اطراف خود که برای فرار از این تنهایی و بیگانگی به ارتباط فرازمینی و ماوراءطبیعی رو می‌آورد، اما به هر کجا که می‌گذارد همه چیز را پوچ و بدلی می‌یابد، آسمان و ماه و خورشید و ستارگان، یا نشانه‌های سنتی ماوراءطبیعت و رستگاری و فرار از تنهایی و تسکین‌دهنده انسان از دیرباز - حتی وقتی به زمین بازمی‌گردد، آن را قایلمه‌ای وارونه و توخالی می‌بیند، یعنی واقعیتی بدون چشم‌انداز و تنگ و آخر سر خود را تنها‌تر و شوریخ‌تر از پیش احساس می‌کند و جهان اطرافش بی‌معناتر به نظر می‌آید. این قصه در واقع همچون آیینسه‌ای دو طرفه است، از یک سو وضعیت ویتسک و ماری است و از سوی دیگر سرنوشت وحشتناک فرزند آنها که نظیر همان پسرک فقیر، باید به جامعه‌ای سیاه و بی‌رحم بر تباب شود. این «ضدقصه» همچون نمایشنامه «ویتسک» به زندگی و احساس عدم امنیت انسان می‌پردازد در جهانی فاسد، منط و غیرانسانی.

■ پس چرا شما این صحنه پراهمانی را حذف کرده‌اید؟

حذف نکردام، بلکه آن را تبدیل به عناصر بصری بر صحنه یا روایت تصویری آن درنمایه کردم.

■ قاتل واقعی ماری در اصل کیست؟ شخص ویتسک با همه حسادت‌ها، کینه‌توزی‌ها و مشکلات روانی؟ یا فقر و محرومیت‌های اجتماعی؟ یا ناهنجاری‌های فرهنگی؟

افتی:

۱- کشوری در قاره کهن- سران و بزرگان- استعداد فهم و دریافت ۲- معمار قصر خورق- حالی کردن- توقف کوتاه ۳- فال می‌گیرد- مسایقه اتومبیل رانی- نیک نگرستن ۴- حرف نازی‌ها- ترسیده- بدل وضو ۵- روح، روان- لرزش و جنبش- درختی با گل‌های سرخ رنگ ۶- خط‌پذیری- سرد شدن- شاعر مسافر ۷- با هوش- ملالت- طلیعه اعداد ۸- فلز مجسمه‌سازی-

پنبه زن ۹- از حروف مقطعه قرآن- جنون مردم آزاری- هوو ۱۰- رکن اصلی نماز- خلاف هم بودن- دوستی و محبت ۱۱- برنامه مورد علاقه کودکان سوره بنی اسراییل- قهار نیمه کاره ۱۲- اندام- میوه لپه‌ید و پر آب- درخت زیان گنجشک ۱۳- مفت‌ خوش- ضمیر احترام‌آمیز- نی‌نوازهارون الرشید ۱۴- پسوند الودگی- رودی در بالکان- آنچه باعث خیر و صلاح است ۱۵- از موجودات قرانی- مظهر تندی- بسیار متکبر

حل جدول ۱۳۴۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور‌های مختلف به چاپ می‌رسد.

این اثر نخستین‌بار از قشر یا طبقه چهارم اجتماعی سخن گفته و نظایر آن، بلکه فراتر از آن به گمان من بوشنر با درایت تمام آینده «انسان منزوی» را با مجموع معضلاتش در جامعه رو به مدرن تصویر می‌کند، انسانی که مثل تیغه ریش‌تراشی در لایه‌های مختلف جامعه راه می‌رود و در سکوتی سرد و هولناک با بازیابی الکن می‌خواهد انتقام بگیرد، انتقام از محرومیت‌ها، آن هم بدون فریاد، بدون عصیان مری. شاید بهترین کسی که او را توصیف کرده، هاینر مایر باشد که ویتسک را یک زخم می‌نامد، زخمی باز.

■ در نمایشنامه ویتسک، پیرزنی برای بچه‌ها قصه‌ای تعریف می‌کند که بسیار سمبولیک است، چرا بوشنر این قصه را درست پیش از صحنه قتل آورده است؟

پیش از هر چیز لازم است بگویم که آنچه در روایت بداهه‌گونه مادر بزرگ به چشم می‌خورد، به هیچ‌وجه یک «قصه» نیست، بلکه بیشتر «شبه‌قصه» یا «ضدقصه» است، که به داستان‌های

تماشاخانه‌فرنگی

کینگ کونگ در برادوی

■ پس از پرواز اسپایدرمن برای «تاریکی را خاموش کن»در نیویورک پیش‌بینی می‌شود سایه کینگ کونگ روی برادوی بیفتد. در یکی دو سال گذشته کارگردانان تئاتر آمریکا در برادوی تصمیم گرفته‌اند که آثار آشنای سینما را در تئاتر به صحنه بیاورند. سالن‌های برادوی در این مدت شاهد اجراهایی از سوپرمن، شاهشیر و البته الان هم میزبان نمایش اسپایدرمن است. این نمایش که دو سال پیش تولید آن طول کشید در سالی بزرگ از ماه می به صحنه رفت و توانسته آمار فروش را باکس آفیس مرکز تئاتر نیویورک تغییر دهد. حالا بزرگ‌ترین سال تئاتر برادوی در حال آماده کردن نمایش موزیکال کینگ کونک است که اجراهای خود را آغاز می‌کند و قرار است در سراسر جهان نیز اجراهایی داشته باشد. یک تیم کاملاً حرفه‌ای تئاتر این نمایش را که از امکانات مختلف صحنه‌ای از جمله تکنولوژی تصویری برخوردار است، به صحنه ببرند. دانیل کرامر، کارگردان این نمایش بیش از ۴۰ بازیگر و عروسک‌گردان و خواننده را از سراسر جهان جمع کرده است. یکی از به یادماندنی‌ترین فیلم‌هایی سینمایی را که تا به حال اقتباس‌های زیادی داشته است، به صحنه بپردازد. داستان عاشقانه‌ای که در سال‌های ۱۹۳۳ در اوج رکود اقتصادی شکل گرفته است. موسیقی این نمایش را ماریوس دو ورس می‌سازد که برنده جایزه موسیقی بقا برعهده خواهد داشت. او ترانه‌هایی از دوره کلاسیک را نیز برای این اجرا آماده کرده است. تونی لوکاس که جایزه تونی را برای سربودن اشعار موزیکال برده است، متن داستان کین کونگ را آماده می‌کند. شرکت مریان کوپر تهیه‌کننده این اثر خواهد بود.



شده-مهره شطرنج- فرستاده خدا- بالای فرنگی ۱۰- مشقوه رامین- مشک خالص- از وسائل خیلی موثر در ماشین ۱۱- ناخن-ستور- نام اسب زرو- حوض کم عمق تریزینی ۱۲- شمشیر- موش خرما- وصف‌کننده ۱۳- کسی که به او دستور کاری را داده‌اند- خوراک محبوب سنجاب- مکتب‌دار قدیم ۱۴- اثری از ریچارد رایت آمریکایی- کلام درویش- مجازات شرعی ۱۵- مانند- فلز سکه‌زنی- اکاهاانه

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۹	۴		۷		
		۵		۱	۴	۲		
	۸		۶		۵			
۷			۸			۵	۴	
			۱			۹	۳	
			۷		۲		۶	
		۱	۹			۶		
		۲		۵		۱		
۸				۳	۹			